

خواهد عزیز - لیر از جام سلام از دور سعی بوم و هنر دلم برایت سنگ سنگ

باشد تو در کسب هنر منگرم از آنکه با الهی صفت مراد کورت کردی امیدوارم بتوانم

بگویم تو بیایم تو عالم از آنکه خانه قریب ان الله مبارک باشد عروسی مهر داد

عزیزم از شنیدن خبر سوامی برون و بحر تو عالم سلام کنم مرا به همه آلتا برون

بچه که هک برون عزیزم را بسوگم عکس او را دارم هزار بار تو کسبم و قربان

رفتم صف در دلم میزاید خانم برون و خود را بسوز

انها بچه با بکتر سلامتند خوب سیرانی که خوشی و اینی رفتند آمرکها دگری

ام در آنجا ماندنی کرد بر برادر کار برار او پیدا کرده که حقوقی لیر از ایران

است سحر کار بست همه تو سید خواهد عزیزم باد آموغ بجز که سن و تو

یا کتبها را بسند دادم یک سنج را تو مسکندی بکسری را من و تو نا طعمه

نماز عزیز اندام یک سنگ با در مسکدم فراموشی نگی آنروز را که در سرف

در راه مدرسه من بکقدم راه میرم بکقدم تو کفج مرا از هر برف جلول پای

من مسکداتی او صای انها زیاد بوسنت شلیمان وقت که بودت

بودی من میگویم برار صید روز دیگر بروم آمرکها اگر بسوزد بگو تو منی او را بر رزاد

کرد که هم باید بیای شریک عمرتیم با من از هم شایسته تا سال آینده کارشان
 درست شود بیایند همین کوی و همند خلاصه شایسته باز در آمریکای جمع همه ماها
 جمع شود در هر صورت فعلاً من از تو خدا حافظی میکنم و از آنجا تا برتر است
 سفر کنم سلام مرا به همرداد عمرتیم برسان که صدقت لغت

امده و ستان و خانیل سلام بر سائند محفوماً دخترهای
 من با تو پریشان ناگوار است شاید بران دیدن من
 حاله های لطیفی و کباب از اصفهان بر آن بیایند قرمانت خودم

بامید دیگر

دیگر در ایران برالین نامه نده

